

افغان ستیزی نماد دیگری از وابستگی سیاسی رژیم اسلامی به امپریالیستها!

صبا راهی

مقدمه:

چندین دهه است که کشورهای غربی (امپریالیستها) از صبح تا شب در بوق و کرنا می دمند که در کشورهایشان "برابری نژادی" برقرار است. آیا به راستی چنین است؟ این قلم چه از طریق تجارب کاری و چه از طریق مساینل شخصی (شهروندی) خود شکی ندارد که برای خواننده این سطور در هر سطح و مقامی که باشد، چه با کار باشد و چه بیکار، چه در محل کار و چه در در همسایگی و مراکز دولتی، طعم تلخ و گزنده نژادپرستی را چشیده است! از هموطن ایرانی که فرزندش در سوئیس در مدرسه مورد غضب نژادپرستانه همکلاسی های نژادپرستش قرار گرفت و بر اثر هل دادن "عمدی" به قتل رسید، تا هموطن دیگری که در آلمان خانه اش به آتش کشیده شد، دیگری در انگلیس همسایه نژادپرستش خانه اش را به آتش کشیدند، تا... ایرانی هایی که در محل کارشان مورد نابرابری حقوقی قرار میگیرد و پستی که در انتظار او می باشد را به دیگری می دهند و... از این داستانهای واقعی بسیار است. البته برخی ها که خود نژادپرست و در نتیجه ذاتاً نوکر صفت هستند به این قضا نه تنها تن می دهند بلکه آتش بیار معرکه هم میشوند، اما خیلی ها از ایرانی ها وقتی که با آنها صحبت میکنی ضمن لعن و نفرین بر رژیم اسلامی در ایران که باعث فرار آنها شده از موضوع نژادپرستی خون گریه میکنند!

ناگفته پیداست آن دسته از ایرانی هایی که مانند سایر ملیتها **پست و عنوان** حتی مدیریت به آنها **واگذار** شده - برای اینکه سرمایه داری بگوید " ببینید ما چقدر برابری نژادی در این جوامع داریم" - از صدتا نژادپرست آلمانی الاصل و انگلیس الاصل و غیره... نژادپرست تر می شوند، موضوع این نوشته نمی باشد! حتما شما نیز به ادارات دولتی در محل زندگی تان مراجعه داشته و شاهد بوده اید که آن هندی یا آفریقایی، یا پاکستانی یا ایرانی یا... را چگونه در " خط مقدم" فرار داده اند تا سیاست های کثیف نژادپرستانه ای که امروز خود " اصل" ها نمی توانند آنها اعمال کنند بر غیر " اصل" ها روا دارند!

دوست آفریقایی می گفت: " پدر من می گوید با گذشت چند دهه از آزارهای نژادپرستانه، ظاهراً همه چیز تغییر کرده، ظاهراً اوباما رئیس جمهور می شود، اما مگر غیر از این است که همان سیاست های جنایتکارانه و نژادپرستانه را در دنیا حاکم میکند، مگر غیر از این است که امروز سیاهان را در زندانها به آرامی می کشند و یک انگ " مواد مخدر" به او میزنند، مگر غیر از این است که امروز همسایه سفید او آنچنان در محله مردم را از " سیاه ها" می ترساند که کسی با آنها سلام احوالپرسی هم نکند، مگر غیر از این است که زندگی ما را آنچنان کنترل میکنند که بچه های ما " سیاه ها" مدام در خیابانها مورد بازجویی پلیس بدلیل " مشکوک به تروریست" هستند، مسئله اینجاست که نژادپرستی در شکل دیگر بازتولید شده، در شکل از پشت خنجر زدن!"

وابستگی ذاتی طبقاتی مذاهب به امپریالیسم

دین ها اساسن بخاطر ماهیت طبقاتی شان و بدلیل عدم تضادشان با سرمایه داری همانطور که امروز هم بیش از همیشه شاهد هستیم در خدمت ستمگران برای خاموش کردن شعله های خشم ستمدیدگان است!

امروزه سرمایه داری جهانی از تمام دین ها و رهبران بالفطره نوکر آنها استفاده میکنند برای اینکه آتش طغیان نسل بی آینده یی که نه کار دارد و نه افقی روشن را خاموش و آنها را با موعظه های رهبران مذهبی از خیابان ها به خانه های سرد و تاریکشان برگردانند. از دین ها استفاده میکنند تا شعله های خشم و نفرت محرومان جهان از ستم نابرابری طبقاتی، از ستم خاموش مردن در کارتون های خیابانی از ستم اعتیاد از ستم تن فروشی از ستم تبعیض در هر زمینه را با خطابه های رهبران دینی فرو کش کنند و به آنها بهشت را وعده دهند! از رهبران مذهبی برای ممنوعیت سقط جنین استفاده میکنند، تا با ازدیاد نسل ها، جنگ های دیگری را بر پاکنند، فرزندان محرومان را " سربراز" کنند و در جنگها هم خودشان کشته شوند و هم هم طبقه ی خود را بکشند! تا بقیه آنهاپی هم که باقی ماندند را به بردگی آشکار ببرند!

امپریالیستهای آدمخوار، لمپن هائی مانند طالبان ها، القاعده، و بن لادن و اخوان المسلمین و خمینی و دار و دسته اش را تعلیم می دهند تا در مسیر های متعدد از وجود تروریستی آنها استفاده کنند، تا این گروه های

تروریستی که دست پرورده خودشان هستند با طرح و نقشه خود امپریالیستها در جای جای دنیا بمب گذاری کنند مردم بی گناه را به کشتن دهند و توجه مردم جهان را به " تروریسم " جلب کنند تا بر اساس آن هر روز آزادی های مردم را به بهانه " مبارزه با تروریسم " سلب کنند!

یازده سپتامبر و بمب گذاری های هفتم جولای لندن آخرین نمونه هایی است که تا به امروز توسط آن " بهانه مبارزه با تروریسم " هر روز مشغول به تدوین قوانین " ضد تروریستی " هستند که هر چه بیشتر آزادی های اجتماعی را محدود کنند، مردم را در کنترل خود در آورند و روز به روز بر دسته " برگان " اضافه کنند! و پشت عنوان " دفاع ملی " در همه جای دنیا مشغول کنترل زندگی مردم، به ویژه مبارزین ومدافعین کارگران و خود کارگران و زحمتکشان هستند!

در ایران، مانند سایر کشورهای مسلمان نشین، امپریالیستها نوکران خود را چه آشکارا، مانند کودتای رضا خان قلدر بیسواد و کودتای سی آی ای آمریکایی و ام آی شش انگلیسی که محمدرضا پهلوی " باسواد " را بر مردم ایران حاکم کردند. و یا اینکه از بستر مساعدی مانند قیام ۵۷ استفاده کرد و خمینی که قبلا " سازش کاری " خود را از طریق مرگ پسرش با دستگاه اطلاعاتی شاه نشان داده بود را بر مسند قدرت بنشانند تا وظیفه ساواک را بر دوش " احکام الهی " قرار دهد و ساواکی های به خدمت " اسلام " را در راه خدمت به حزب خدا در خدمت بگیرند! حال که سالهاست نقاب از چهره جنایتکارانه رژیم " ضد استبداد جهانی " افتاده، و توده های ستمدیده به ریاکاری این بالفطره روباها پی برده اند، اما عده ای همواره با تئوری " چاکرمنیشانه ملی گرایی و میهنی " دم از مستقل بودن این رژیم جنایتکار می زنند! امروز حتی آنکس که نه مارکس را می شناسد و نه لنین و مائو و استالین و ... با عملکردهای جنایتکارانه و ضد مردمی این رژیم به این درک رسیده اند که سردمداران این رژیم مانند رژیم جنایتکار شاه، نوکران دولتهای غربی هستند، و این رژیم نیز از هر نظر وابسته به دولتهای امپریالیستی غربی و روسیه و چین می باشد! وقتی مردم می بینند که این رژیم انقلابیون و ضد امپریالیستهای واقعی را قتل عام کرد، وقتی مردم می بینند که بیش از ده میلیون از جوانان یعنی سرمایه های ایران قربانی اعتیاد شده اند، وقتی مردم می بینند که دختران برای امرار معاش تن فروشی میکنند، وقتی مردم می بینند که کارگر و زحمتکش بخاطر احقاق حقش به بند کشیده می شود، وقتی مردم می بینند که دانشجو را چه در خیابان و چه در زندان رژیم لت و پار می کند، وقتی مردم می بینند که کودکان به جای برخورداری از تحصیل و غذای رایگان در مدرسه در کنار خیابان گلفروشی و آدم فروشی و گدایی و حیب زنی می کنند، وقتی مردم می بینند...دیگر لازم نیست کسی برای آنها " فاکت " یا " سند " بیاورد یا " مناظره " در جهت " ارزیابی از ماهیت " رژیم ترتیب دهند!

آخر رژیمی که مردم خودش را از کوچکترین آزادی های اجتماعی محروم میکند و آنها را بخاطر خواسته هایشان و به خاطر عقایدشان به چوبه های دار می بندند، دیگر امپریالیستهای آدمخوار چه می خواهند؟ آیا باید خمینی را در " مدرسه آمریکایی "، جایی که سی آی ای دیگر دیکتاتورهای خونخوار را تربیت می کند باید تعلیم میداد؟ مگر دین با سرمایه داری تضادی داشته و یا دارد؟

امروز هم وقتی شاهد هستیم که جانبان رژیم به بهانه تجاوز به یک دختر و کشتن او، که بی شک با هر دیدی این عمل محکوم است، به جان مردم شریف و زحمتکش افغانی افتاده اند، مگر همان " فرمول مبارزه با تروریسم " نیست که ما در خیابان های کشورهای " مدرن و دموکراتیک غربی " شاهد هستیم؟ آیا این سیاست های دوگانه و مردم فریب را دولتهای غربی باید به رژیم نوکرشان دیکته کنند؟ یا اینکه این همان سیاست ریاکارانه نژادپرستانه ایست که در " صدر اسلام " پیامبر اسلام با آزاد کردن " بلال حبشی " بکار برد؟

کسانی که امروز با بی شرمی تمام چاکر منشی خود را در پشت اسم های دهان پرکن " ملی، میهنی " پنهان کرده اند و همچنان به کیسه کشی این رژیم مشغول هستند باید ثابت کنند که دین با سرمایه داری در تضاد است!

مرگ بر امپریالیسم عامل نژادپرستی، نابرابری، ارتجاع، جنگ و سرکوب و غارت و استثمار و تن فروشی و اعتیاد و فقر

مرگ رژیم ضدکارگری جمهوری اسلامی که سیاست های سرکوبگرانه اقتصادی سیاسی اش به هیچ وجه در تضاد با سیاست های امپریالیستها نیست!

زنده باد انقلاب!

افغان ستیزی نماد دیگری از وابستگی سیاسی رژیم اسلامی به امپریالیستها!

صبا راهی

مقدمه:

چندین دهه است که کشورهای غربی (امپریالیستها) از صبح تا شب در بوق و کرنا می دمند که در کشورهایشان " برابری نژادی" برقرار است. آیا به راستی چنین است؟ این قلم چه از طریق تجارب کاری و چه از طریق مسائیل شخصی (شهروندی) خود شکی ندارد که برای خواننده این سطور در هر سطح و مقامی که باشد، چه با کار باشد و چه بیکار، چه در محل کار و چه در همسایگی و مراکز دولتی، طعم تلخ و گزنده نژادپرستی را چشیده است! از هموطن ایرانی که فرزندش در سوئیس در مدرسه مورد غضب نژادپرستانه همکلاسی های نژادپرستش قرار گرفت و بر اثر هل دادن "عمدی" به قتل رسید، تا هموطن دیگری که در آلمان خانه اش به آتش کشیده شد، دیگری در انگلیس همسایه نژادپرستش خانه اش را به آتش کشیدند، تا... ایرانی هایی که در محل کارشان مورد نابرابری حقوقی قرار میگیرد و پُستی که در انتظار او میآید را به دیگری می دهند و... از این داستانهای واقعی بسیار است. البته برخی ها که خود نژادپرست و در نتیجه ذاتاً نوکر صفت هستند به این فضا نه تنها تن می دهند بلکه آتش بیار معرکه هم میشوند، اما خیلی ها از ایرانی ها وقتی که با آنها صحبت میکنی ضمن لعن و نفرین بر رژیم اسلامی در ایران که باعث فرار آنها شده از موضوع نژادپرستی خون گریه میکنند!

ناگفته پیداست آن دسته از ایرانی هایی که مانند سایر ملیتها **پست و عنوان** حتی مدیریت به آنها **واگذار** شده - برای اینکه سرمایه داری بگوید " ببینید ما چقدر برابری نژادی در این جوامع داریم" - از صدتا نژادپرست آلمانی الاصل و انگلیس الاصل و غیره... نژادپرست تر می شوند، موضوع این نوشته نمی باشد! حتما شما نیز به ادارات دولتی در محل زندگی تان مراجعه داشته و شاهد بوده اید که آن هندی یا آفریقایی، یا پاکستانی یا ایرانی یا... را چگونه در " خط مقدم" فرار داده اند تا سیاست های کثیف نژادپرستانه ای که امروز خود " اصل" ها نمی توانند آنها اعمال کنند بر غیر " اصل" ها روا دارند!

دوست آفریقایی می گفت: " پدر من می گوید با گذشت چند دهه از آزارهای نژادپرستانه، ظاهراً همه چیز تغییر کرده، ظاهراً اوباما رئیس جمهور می شود، اما مگر غیر از این است که همان سیاست های جنایتکارانه و نژادپرستانه را در دنیا حاکم میکند، مگر غیر از این است که امروز سیاهان را در زندانها به آرامی می کشند و یک انگ " مواد مخدر" به او میزنند، مگر غیر از این است که امروز همسایه سفید او آنچنان در محله مردم را از " سیاه ها" می ترساند که کسی با آنها سلام احوالپرسی هم نکند، مگر غیر از این است که زندگی ما را آنچنان کنترل میکنند که بچه های ما " سیاه ها" مدام در خیابانها مورد بازجویی پلیس بدلیل " مشکوک به تروریست" هستند، مسئله اینجاست که نژادپرستی در شکل دیگر بازتولید شده، در شکل از پشت خنجر زدن!"

وابستگی خودبخودی مذاهب به امپریالیسم

دین ها اساسن بخاطر ماهیت طبقاتی شان و بدلیل عدم تضاد با سرمایه داری همانطور که امروز هم پیش از همیشه شاهد هستیم در خدمت ستمگران برای خاموش کردن شعله های خشم ستمدیدگان است!

امروزه سرمایه داری جهانی از تمام دین ها و رهبران بالفطره نوکر آنها استفاده میکنند برای اینکه آتش طغیان نسل بی آینده یی که نه کار دارد و نه افقی روشن را خاموش و آنها را با موعظه های رهبران مذهبی از خیابان ها به خانه های سرد و تاریکشان برگردانند. از دین ها استفاده میکنند تا شعله های خشم و نفرت محرومان جهان از ستم نابرابری طبقاتی، از ستم خاموش مردن در کارتون های خیابانی از ستم اعتیاد از ستم تن فروشی از ستم تبعیض در هر زمینه را با خطابه های رهبران دینی فرو کش کنند و به آنها بهشت را وعده دهند! از رهبران مذهبی برای ممنوعیت سقط جنین استفاده میکنند، تا با ازدیاد نسل ها، جنگ های دیگری را بر

پاکند، فرزندان محرومان را " سر باز" کنند و در جنگها هم خودشان کشته شوند و هم هم طبقه ی خود را بکشند! تا بقیه آنهاپی هم که باقی ماندند را به بردگی آشکار ببرند!

امپریالیستهای آدمخوار، لمپن هائی مانند طالبان ها، القاعده، و بن لادن و اخوان المسلمین و خمینی و دار و دسته اش را تعلیم می دهند تا در مسیر های متعدد از وجود تروریستی آنها استفاده کنند، تا این گروه های تروریستی که دست پرورده خودشان هستند با طرح و نقشه خود امپریالیستها در جای جای دنیا بمب گذاری کنند مردم بی گناه را به کشتن دهند و توجه مردم جهان را به " تروریسم" جلب کنند تا بر اساس آن هر روز آزادی های مردم را به بهانه " مبارزه با تروریسم" سلب کنند!

یازده سپتامبر و بمب گذاری های هفتم جولای لندن آخرین نمونه هایی است که تا به امروز توسط آن " بهانه مبارزه با تروریسم" هر روز مشغول به تدوین قوانین " ضدتروریستی" هستند که هر چه بیشتر آزادی های اجتماعی را محدود کنند، مردم را در کنترل خود در آورند و روز به روز بر دسته " برگان" اضافه کنند! و پشت عنوان " دفاع ملی" در همه جای دنیا مشغول کنترل زندگی مردم، به ویژه مبارزین ومدافعین کارگران و خود کارگران و زحمتکشان هستند!

در ایران، مانند سایر کشورهای مسلمان نشین، امپریالیستها نوکران خود را چه آشکارا، مانند کودتای رضا خان قلدر بیسواد و کودتای سی آی ای آمریکایی و ام آی شش انگلیسی که محمدرضا پهلوی " باسواد" را بر مردم ایران حاکم کردند. و یا اینکه از بستر مساعدی مانند قیام ۵۷ استفاده کرد و خمینی که قبلا " سازش کاری" خود را از طریق مرگ پسریش با دستگاه اطلاعاتی شاه نشان داده بود را بر مسند قدرت بنشانند تا وظیفه ساواک را بر دوش " احکام الهی" قرار دهد و ساواکی های به خدمت " اسلام" را در راه خدمت به حزب خدا در خدمت بگیرند! حال که سالهاست نقاب از چهره جنایتکارانه رژیم " ضداستیکبارجهانی" افتاده، و توده های ستمدیده به ریاکاری این بالفطره رویاهان پی برده اند، اما عده ای همواره با تئوری " چاکرمنیشانه ملی گرای و میهنی" دم از مستقل بودن این رژیم جنایتکار می زنند! امروز حتی آنکس که نه مارکس را می شناسد و نه لنین و مائو و استالین و ... با عملکردهای جنایتکارانه و ضدمردمی این رژیم به این درک رسیده اند که سردمداران این رژیم مانند رژیم جنایتکار شاه، نوکران دولتهای غربی هستند، و این رژیم نیز از هر نظر وابسته به دولتهای امپریالیستی غربی و روسیه و چین می باشد! وقتی مردم می بینند که این رژیم انقلابیون و ضدامپریالیستهای واقعی را قتل عام کرد، وقتی مردم می بینند که بیش از ده میلیون از جوانان یعنی سرمایه های ایران قربانی اعتیاد شده اند، وقتی مردم می بینند که دختران برای امرار معاش تن فروشی میکنند، وقتی مردم می بینند که کارگر و زحمتکش بخاطر احقاق حفش به بند کشیده می شود، وقتی مردم می بینند که دانشجو را چه در خیابان و چه در زندان رژیم لت و پار می کند، وقتی مردم می بینند که کودکان به جای برخورداری از تحصیل و غذای رایگان در مدرسه در کنار خیابان گلفروشی و آدم فروشی و گدایی و حیب زنی می کنند، وقتی مردم می بینند...دیگر لازم نیست کسی برای آنها " فاکت" یا " سند" بیاورد یا " مناظره" در جهت " ارزیابی از ماهیت" رژیم ترتیب دهند!

آخر رژیمی که مردم خودش را از کوچکترین آزادی های اجتماعی محروم میکند و آنها را بخاطر خواسته هایشان و به خاطر عقایدشان به چوبه های دار می بندند، دیگر امپریالیستهای آدمخوار چه می خواهند؟ آیا باید خمینی را در " مدرسه آمریکایی"، جایی که سی آی ای دیگر دیکتاتورهای خونخوار را تربیت می کند باید تعلیم میداد؟ مگر دین با سرمایه داری تضادی داشته و یا دارد؟

امروز هم وقتی شاهد هستیم که جانبان رژیم به بهانه تجاوز به یک دختر و کشتن او، که بی شک با هر دیدی این عمل محکوم است، به جان مردم شریف و زحمتکش افغانی افتاده اند، مگر همان " فرمول مبارزه با تروریسم" نیست که ما در خیابان های کشورهای "مدرن و دموکراتیک غربی" شاهد هستیم؟ آیا این سیاست های دوگانه و مردم فریب را دولتهای غربی باید به رژیم نوکرشان دیکته کنند؟ یا اینکه این همان سیاست ریاکارانه نژادپرستانه ایست که در " صدر اسلام" پیامبر اسلام با آزاد کردن " بلال حبشی" بر ستمدیدگان اعمال کرد نیست؟ آیا استثمار و بردگی از بین رفت؟ یا اینکه پیامبر اسلام نیز بنا به دیدگاه طبقاتی اش، برای خاموش کردن خشم بردگان با فریبکاری بلال را آزاد ساخت تا جماعت بیشتری به او بگردند! مگر سیاست های ریاکارانه و جنایتکارانه امپریالیستها نبود که اوباما را رئیس جمهور آمریکا برای نشان دادن " برابری" انتخاب کرد؟

افغان ستیزی رژیم وابسته به امپریالیستها امروز بیش از پیش نمایانگر این است که این رژیم از هر سیاست جنایتکارانه ایی که به او زمان بیشتری برای خدمت به اربابان جهانی اش دهد کوتاهی نمی کند! برای کسانی که در غرب زندگی میکنند، رفتار اوباش رژیم با افغانی های عزیز به هیچ وجه ناآشنا نیست! این همان

سیاستی است که امپریالیستها بر جهان حکمفرما کرده اند، منتهی از طریق نوکران شان و نه مستقیماً خودشان! نژادپرستی در دنیا بیداد می کند!

کسانی که امروز با بی شرمی تمام چاکر منشی خود را در پشت اسم های دهان پرکن " ملی، میهنی " پنهان کرده اند و همچنان به کیسه کشی این رژیم مشغول هستند باید ثابت کنند که دین با سرمایه داری در تضاد است!

مرگ بر امپریالیسم عامل نژادپرستی، نابرابری، ارتجاع، جنگ و سرکوب و غارت و استثمار و تن فروشی و اعتیاد و فقر

مرگ رژیم ضدکارگری جمهوری اسلامی که سیاست های سرکوبگرانه اقتصادی سیاسی اش به هیچ وجه در تضاد با سیاست های امپریالیستها نیست!

زنده باد انقلاب!

هفدهم تیر ۱۳۹۱ برابر با هفتم ژوئیه ۲۰۱۲